

بسم الله الرحمن الرحيم

ذکر مصیبت حضرت اباعبدالله بعد از تولد تا پیش از شهادت

گریه حضرت ختمی مرتبت (صلي الله عليه وآله) بر امام حسین (علیه السلام)

در هنگام تولد حضرت امام حسین (علیه السلام) خداوند به جبرئیل امر فرمود تا به همراه هزاران هزار از ملائک به زمین نازل شوند و بر پیغمبر (صلي الله عليه وآله) تهنیت گفته و او را از شهادت فرزندش مطلع ساخته و تسلی دهند. بحار، ج 43، ص 249

هنگامیکه امام حسین (علیه السلام) متولد شد او را در پارچه سفیدی پیچیده و نزد پیغمبر (صلي الله عليه وآله) آوردند. حضرت رسول (صلي الله عليه وآله) در گوش او اذان و اقامه گفتند و بدو نگاه کرده و میگریستند و فرمودند خدا لعنت کند قاتل تو را. خدا یا من حسین و هر کس که او را دوست دارد دوست دارم. بحار، ج 44، ص 250 و امالی طوسی، ج 1، ص 377

بارها و بارها مراسم عزاداری حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) توسط پیامبر (صلي الله عليه وآله) بر پا شد از جمله در سفری حضرت در بین راه ایستادند: و فرمودند (انالله وانا اليه راجعون) ما از آن خدائیم و به سوی او باز می گردیم و گریستند.

اصحاب علت گریه ایشان را جویا شدند حضرت فرمودند: جبرئیل مرا خبر داد حسینم را در زمینی نزدیک شط فرات بنام کربلا سمری برند و گویا می بینم که سر او را برای یزید ملعون هدیه برده و خاندان او را اسیر کرده و سوار بر شتر ساخته و شهر به شهری گردانند.

هنگامیکه حضرت (صلي الله عليه وآله) از سفر بازگشتند در حالیکه حزن و اندوه بسیاری رخساره مبارکش را فرا گرفته بود، دست امام حسین (علیه السلام) را گرفته و بالایی منبر رفتند و در حالیکه دست راست خود را بر سر امام حسن (علیه السلام) و دست چپ را بر سر امام حسین (علیه السلام) گذاشته بودند فرمودند:

خدایا محمد، (ص) بنده و پیغمبر توست و این دو از بهترین عترت من هستند، و بهترین فرزندان من، بدرستی که جبرئیل مرا خبر داد که حسنم را به زهرکشته و حسینم را با شمشیر شهید میکنند، ای خدا شهادت را برایشان مبارک گردان و حسینم را سیدالشهدا قرار بده و برکت و غفران خود را از قاتلین او دور و جایگاهشان را جهنم ساز.

حضرت علی (علیه السلام) میفرمایند: در این هنگام صدای ناله و گریه اهل مسجد بلند شد پیغمبر (ص) فرمودند: ای مردم بر او گریه می کنید ولی او را یاری نمیکنید؟ خدایا تو یاور او باش ای مردم من دو چیز گرانبها و وزین را در میان شما به یادگار میگذارم اولی کتاب خدا و دیگری عترتم را. آگاه باشید که در قیامت از این دوازده سوال خواهیم کرد مبادا در قیامت نزد من آئید در حالیکه به عترتم ظلم روا داشته اید. بحار، ج 44، ص 247 و 249 و مغیر الاحزان، ص 9، 10 و لیهوف ص 7، 9

پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) بارها و بارها گوی امام حسین (علیه السلام) را میبوسید و گاهی به امیرالمومنین (علیه السلام) می فرمود: او را نگاه دار سپس تمام بدنش را میبوسید و می گریست و می فرمود: من موضع شمشیرها را میبوسم گاهی او لب و دندان او را میبوسید و می گریست گویا او نیز میدید که چوب خیزران با لب و دندان چه میکند.

حضرت رسول اکرم (صلي الله عليه وآله) در تمام عمر و در همه جا ذاکرمصائب امام حسین (علیه السلام) می شد و حتی در هنگام احتضار نیز او را در سینه خویش چسبانید و در حالیکه می گریست فرمود: مرا با یزید چه کار است خدا او را لعنت کند پس از گفتن این کلمات ایشان از هوش رفتند پس از مدتی که بهوش آمدند دوباره امام حسین (علیه السلام) را بوسیدند و فرمودند حساب کشندگان تو در نزد خدا با خود من است. بحار، ج 44، ص 266 و مغیر الاحزان ص 12

و در جائی دیگر نقل شده است روزی امیرالمومنین علی (علیه السلام) خدمت پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) و علیه و آله) شرفیاب می شوند و حضرت رسول اکرم (صلي الله عليه وآله) را گریان و غمناک مشاهده میکنند پس حضرت علی (علیه السلام) علت این امر را جویا میشوند و پیغمبر (ص) میفرمایند: یا علی جان جبرئیل مرا باخبر ساخت که فرزندم حسین را میکشند و برای من قدری از تربت مدفنش را آورد و چون من این خاک را بوئیدم بی اختیار اشک از چشمانم جاری شده، اسم آن سرزمین کربلاست.

ذکر مصائب حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) توسط امیرالمومنین علی (علیه السلام)

حضرت علی (علیه السلام) نیز هرگاه حسین را می دید می گریست و میفرمود: تو سبب گریه هر مومن هستی. بحار، ج 44، ص 280 و کامل الزیارات باب 36، ص 108

ابن عباس نقل میکند هنگامیکه در رکاب آن حضرت بودم و به جنگ صفین عازم بودیم به نینوا رسیدیم حضرت علی (علیه السلام) فرمود ابن عباس آیا این سرزمین را میشناسی؟ عرض کردم نه فرمودند: اگر توهم مانند من می شناختی می گریستی و محزون می شدی سپس حضرت گریست آن چنان که اشک از روی محاسنش بر روی سینه مبارکش جاری شد و ما نیز به تبع او گریه کردیم

سپس فرمود: آه آه مرا چه میشود با آل ابوسفیان که از جنود شیطانند ای اباعبدالله صبر کن پس حضرت آبی طلب نمود و در آنجا چند رکعت نماز خواند. بحار، ج 44، ص 252، 254 و امالی صدوق مجلس 87، ص 478، 480

برپای جلسات ذکرمصیبت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) توسط بی بی دو عالم حضرت زهرا (سلام الله علیها)

حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بارها و بارها در مصائب فرزندش حسین (علیه السلام) گریست از آن جمله چون از شهادت نور دیده اش حسین (علیه السلام) با خبر شد او را از روی حزن و اندوه و ملال حمل نموده و با حزن و اندوه ایشان را وضع حمل نمودند .
و یا روز ولادت امام حسین (علیه السلام) بی بی دو عالم حضرت زهرا (سلام الله علیها) بسیار گریستند تا حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله) تشریف فرما شدند و فرمودند ای فاطمه بدان که حسین کشته نمی شود جز هنگامیکه پیشوای راهنمایی از او متولد شود که امامان بعدی از نسل او هستند آنگاه حضرت یکی یکی نام امامان را تا حضرت ولی عصر (عج) ذکر نموده و فرمودند : آن قائم که عیسی بن مریم پشت سرش نماز میخواند . کمال الدین . ج 1، ص 284

مرثیه سرایی امام حسن (علیه السلام) در عزای برادر شان حسین (علیه السلام)

هنگامکه زهر در بدن امام حسن (علیه السلام) کارگرافتاده بود و در حالت احتضار بودند حضرت امام حسین (علیه السلام) به نزد برادر آمده و او را در بغل گرفت و گریست امام حسن (علیه السلام) فرمودند : یا ابا عبدالله چرا گریه میکنی ؟ امام حسین (علیه السلام) فرمودند : به حال شما گریه میکنم . حضرت امام حسن (علیه السلام) فرمودند : هیچ روزی مانند روز تو نیست سی هزار نفر که همه خود را از امت جدا میدانند به توهجوم می آورند و تو را به قتل می رسانند و حرمتت را شکسته و عیال و اطفال تو را به اسارت میبرند . ای برادر آسمان در این حادثه خون می گرید همه چیز برای تو گریان و محزون است حتی وحوش صحرا و ماهیان دریا . بحار، ج 45، ص 218 و امالی مجلس 24، ص 101

مرثیه سرایی ام سلمه

ام سلمه هنگامیکه خبر عزیمت امام حسین (علیه السلام) را شنید بسرعت حرکت نمود و در خارج از مدینه به خدمت آن حضرت شرفیاب شد و عرض کرد : ای فرزندم مرا با دوریت محزون مکن و به سوی عراق مرو زیرا از جدت شنیدم که می فرمود فرزندم حسین (علیه السلام) در عراق کشته میشود در زمینی که آنرا کربلا می نامند
امام فرمودند : ای مادر ، من نیز این خبر را میدانم از روز شهادت و قاتل خود و محل دفن خود خبر دارم و من میدانم چه کسانی از اهل بیتم به همراه من کشته خواهند شد اگر بخواهی آن سرزمین را بتو نشان خواهم داد پس آن حضرت اشاره ای به زمین نمود و زمین پست شد و کربلا ظاهر گشت و به او محل قتل خود را نشان داد امام فرمود : ای مادر خداوند خواسته که مرا کشته و عیال و خاندان مرا اسیر و پریشان و اطفال مرا مذبح و مظلوم ببیند در حالیکه آنان استغاثه کرده و یاری می طلبند و کسی ایشان را یاری نمیرساند. بحار، ج 44، ص 327 و مقتل خوارزمی ، ج 1، ص 186

مرثیه خوانی خود امام حسین علیه السلام در مسجد الحرام :

هنگامیکه آن حضرت عزم بر سفر به عراق نمود ایستادند و خطبه ای برای حاجیان ایراد فرمودند : که مضمون آن چنین است :
حمد و ثنا مخصوص ذات الله است و همه چیز منوط به مشیت و قدرت اوست و سلام صلوات بر پیغمبر و آل او، برای اولاد آدم مردن همانند گردنبنده بر گردن دختران ثبت است و چقدر مشتاقم به ملاقات گذشتگانم . برای من تقدیری مقدر شده که آنرا ملاقات خواهم کرد و گویا می بینم که گرگان صحرا اعضاء و جوارح مرا پاره پاره ساخته و شکنجه های خالی و شکم گرسنه اشان را از من پر میکنند . و چاره ای نیست از آن چیزی که به علم الهی نوشته شده است و ما اهل بیت راضی هستیم به رضای خدا و بر آن صبر میکنیم پس هر کس جان خود را در راه خدا میدهد و دل در گرو ملاقات خدا دارد با ما بیاید و من صبح کوچ خواهم کرد انشاء الله . بحار، ج 44، ص 336 و لهوف ص 26

برپای مجلس عزاداری پیش از ورود به کربلا :

امام حسین (علیه السلام) قبل از ورود به کربلا در آن هنگام که خیمه ها را نصب میکردند تمام اولاد و برادران و اهل بیت خود را جمع نمودند نظر بر ایشان انداخته و ساعتی گریه کردند و گویا یاد نمودند از آن چه که بر سر ایشان می آید . سپس گریستند و فرمودند : خدایا ما عترت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) توهستیم ما را از وطن خودمان بیرون کردند و بی امیه بر ما تعدی روا داشت. بحار، ج 44، ص 383 و مقتل خوارزمی ، ج 1، ص 237

اما بعد از ورود به کربلا نیز چندین جلسه عزاداری برپا شد که از جمله آنها میتوان به عصر روز تاسوعا اشاره نمود که حضرت در مقابل خیمه خود نشسته در حالیکه به شمشیر خود تکیه داده بودند به خواب رفتند ناگهان صدای لشکر بلند شد که روبه خیمه ها می آمدند حضرت زینب (سلام الله علیها) چون آن صداها را شنید به نزد برادر آمد و عرض کرد : ای برادر آیا نمی شنوی صدای لشکر را که نزدیک به خیمه رسیده اند ؟ حضرت فرمودند : خواهرم هم اکنون رسول خدا را در خواب دیدم که فرمود : ای حسینم توبه زودی به سوی ما خواهی آمد در این هنگام بی بی حضرت زینب (س) لطمه ای به صورت خود زد و فریاد و اوایله سرداد حضرت فرمود : ویل بر تو نیست ای خواهر ساکت باش خدا تو را رحمت کند .

و یا در شب عاشورا که امام حسین (علیه السلام) درخیمه خود تنها نشسته بودند و درحالیکه شمشیر خود را تیز می نمودند اشعاری می خواندند که مضمون آن چنین است :

ای زمانه اف برتو باد چه قدر مردمان صالح متقی را به کشتن دادی منتهای همه امور به سوی خدا خواهد بود و هر صاحب نفسی راه موت را خواهد رفت . آن حضرت حتی درشب عاشورا اصحاب خود را جمع نمود و درخطبه ای آنان را ازشهداتشان مطلع ساخت و دوباره ازایشان بیعت گرفت . و یا درآن زمان که وداع آخر را نمودند و دخترایشان حضرت سکینه برای وداع آمد و گریه بسیار کردند پس حضرت فرمودند : ای سکینه گریه تو به طول خواهد انجامید بعد ازکشته شدن من پس دیگردل مرا به گریه خود مسوزان. مناقب ابن شهر آشوب ، ج3، ص257 ومنتخب طریحی ، ج2، ص133

امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا

امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا کنار هر شهیدی می آمد ، از وصف او می گفت و گریه می کرد و اشعاری به سکینه آموخت که در مدینه برای شیعیان بخواند ، که مطلع آن این است :

شِيعَتِي مَهْمَا شَرِبْتُم مَاءً عَذْبٍ فَاذْكُرُونِي. در این اشعار امام می فرماید : برای من ندبه کنید ، و ذکر مصیبت علی اصغر به میان آمده است .

مقتل مقرر ، ص308